



The Effects of the Bankruptcy Order Against the Merchant, the Liquidator, the Successors of the Merchant and third Parties

Davood Andarz¹, Elaheh Mehdipour^{2*}

1. Department of Private Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Private Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:51-68

Article history:

Received: 28 Dec 2024

Edition: 13 Mar 2025

Accepted: 21 Apr 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Bankruptcy, Businessman, Liquidator, Third Parties, Creditors, Property.

Corresponding Author:

Elaheh Mehdipour

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Damavand Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0009-0006-7723-6830

Tel:

021 7630 1226

Email:

mehdipour.elah@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: One of the situations in which a person faces certain legal consequences is the state and situation of bankruptcy. The effects of bankruptcy affect various individuals and it is necessary to examine them. Being in this situation will have effects on the property of the businessman, his liquidator and the ability to perform some legal transactions by the businessman, and it is necessary to check these effects. Based on this, the purpose of this article is to examine the effects of the bankruptcy order on the businessman, successors of the businessman and third parties.

Materials and methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: liquidation of the debts owed by the merchant, towards creditors and third parties, prohibiting the suspended and bankrupt merchant from interfering in his property and carrying out certain transactions, and replacing and acting as the legal representative of the liquidator appointed by the court, to do these things. Among the effects of bankruptcy are the businessmen and the liquidator themselves, in relation to creditors and third parties.

Conclusion: The conclusion is that the prohibition of the intervention of the bankrupt businessman has a subjective, and this means a type of legal security and seizure so that the businessman cannot, with the authority to manage his property, take them to transfer the losses of creditors to other persons.

Cite this article as:

Andarz, D; Mehdipour, E. *The Effects of the Bankruptcy Order Against the Merchant, the Liquidator, the Successors of the Merchant and third Parties.* Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر، مدیر تصفیه، جانشینان تاجر و اشخاص ثالث

داود اندرز^۱، الهه مهدی پور^{۲*}

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه حقوق خصوصی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: از موقعیت هایی که شخص، به تبع آن، با برخی آثار حقوقی روبرو می گردد، حالت و موقعیت ورشکستگی است. آثار ورشکستگی، متوجه اشخاص گوناگونی می گردد که ضروری است بررسی شود. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر، جانشینان تاجر و اشخاص ثالث است.

مواد و روش ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: حال شدن دیون مؤجل تاجر، نسبت به طلبکاران و اشخاص ثالث، ممنوع شدن تاجر متوقف و ورشکسته، از مداخله در اموال خود و انجام برخی معاملات و جانشینی و قائم مقامی قانونی مدیر تصفیه تعیین شده از سمت دادگاه، برای انجام این امور، از جمله آثار ورشکستگی، نسبت به طلبکاران و اشخاص ثالث، خود تاجر و مدیر تصفیه هستند.

نتیجه: منع مداخله تاجر ورشکسته جنبه موضوعی دارد و به دلیل آن است که اموال قابل دسترس باشد تا نفع طلبکاران حفظ شود و این به معنای یک نوع تأمین و توقیف قانونی است تا تاجر نتواند با داشتن اختیار اداره اموال خود، آن ها را به ضرر طلبکاران به اشخاص دیگر منتقل کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۱-۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

ورشکستگی، تاجر، مدیر تصفیه، اشخاص ثالث، طلبکاران، اموال.

نویسنده مسئول:

الهه مهدی پور

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

021 7630 1226

کد ارکید:

0009-0006-7723-6830

پست الکترونیک:

mehdipour.elah@gmail.com

۱. مقدمه

تجارت، شغلی است که اشخاص بسیاری، آن را پیشه و حرفه خود قرار می‌دهند و علاوه بر کسب درآمد شخصی از جانب آن، نقشی بسیار مهم را نیز در پیش برد چرخه اقتصادی جامعه، ایفا می‌کنند. پرداختن به تجارت، علاوه بر مزایایی مانند کسب درآمد و جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب، شخص را با برخی موقعیت‌ها و به تبع آن، برخی آثار حقوقی نیز روبرو می‌کند. از موقعیت‌هایی که شخص، به تبع آن، با برخی آثار حقوقی روبرو می‌گردد، حالت و موقعیت ورشکستگی است. ماده ۴۱۲ قانون تجارت، در تعریف ورشکستگی تاجر، مقرر می‌دارد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأديه وجوهی که بر عهده او است، حاصل می‌شود». بنابراین، چنانچه شخص حقیقی یا حقوقی‌ای که شغل خود را تجارت قرار داده، از تأديه ديون و وجوهی که بر عهده او می‌باشد، ناتوان شود، ورشکستگی، محقق می‌گردد. هنگامی که برای شخص حقیقی یا حقوقی، ورشکستگی و توقف رخ می‌دهد، آثار حقوقی‌ای نیز، محقق می‌گردد. این آثار، به طور پراکنده، در مواد مختلف قانون تجارت، پیش بینی شده‌اند. به عبارتی حکمی که به موجب آن تاجر یا شرکت تجاری ورشکسته اعلام می‌شود مطلق بوده و نسبت به تمامی طلبکاران ورشکسته مؤثر می‌باشد و هیچ عاملی نمی‌تواند از اجرای این حکم جلوگیری کند الا قرارداد ارفاقی و اگر این قرارداد به دلایلی فسخ یا ابطال یا اصولاً^۱ در خصوص انعقاد آن بین طلبکاران تراضی ایجاد نشود حکم ورشکستگی اجرا خواهد شد و این حکم آثار متعدد و مهمی را در بردارد. در خصوص ورشکستگی پژوهش‌های متعددی

انجام شده است. افشین مجاهد در مقاله‌ای به بررسی و مطالعه تطبیقی آثار ورشکستگی در حقوق ایران و فرانسه پرداخته است (مجاهد، ۱۴۰۰) همچنین آرمینا چاره جو، در مقاله‌ای، آثار ورشکستگی در فقه و حقوق ایران را بررسی کرده است (چاره جو، ۱۴۰۱) غلامرضا پیرجهانگیر و ابوالحسن مجتهد سلیمانی نیز در مقاله‌ای، به بررسی تعلیق دادرسی در ورشکستگی به تقلب و ورشکستگی به تقصیر در پرتو نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن پرداخته‌اند (پیرجهانگیر و مجتهد سلیمانی، ۱۴۰۱) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده اینم است که در مقاله پیش‌رو، آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر، مدیر تصفیه، جانشینان تاجر و اشخاص ثالث بررسی می‌شود. در واقع، مسئله‌ای که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود، تبیین و تحلیل آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر، جانشینان تاجر و اشخاص ثالث است. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که حکم ورشکستگی نسبت به تاجر، جانشینان تاجر و اشخاص ثالث چه حکمی دارد؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا، آثار ورشکستگی نسبت به تاجر، مدیر تصفیه بررسی شده و در ادامه از آثار ورشکستگی نسبت اشخاص ثالث و جانشینان تاجر بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد حال شدن دیون مؤجل تاجر، نسبت به طلبکاران و اشخاص ثالث، ممنوع شدن تاجر متوقف و ورشکسته، از مداخله در اموال خود و انجام برخی معاملات و جانشینی و قائم مقامی قانونی مدیر تصفیه تعیین شده از سمت دادگاه، برای انجام این امور، از جمله آثار ورشکستگی، نسبت به طلبکاران و اشخاص ثالث، خود تاجر و مدیر تصفیه هستند.

۵. بحث

ورشکستگی تاجر بطور کلی دارای آثاری می‌باشد و به استناد ماده ۴۱۸ قانون تجارت از تاریخ صدور حکم ورشکستگی تاجر از مداخله در تمامی اموال خود حتی آنچه در مدت ورشکستگی بطور قهری مثل اربث عاید او می‌گردد ممنوع خواهد شد و دادگاه در این خصوص نماینده تعیین می‌نماید و مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته گردیده و به جای وی در خصوص حقوق مزبور تصمیم‌گیری می‌نماید و چنانچه هر کسی نسبت به تاجر ورشکسته دعوای مالی داشته باشد باید آن دعوی را بطرفیت مدیر تصفیه مطرح نماید. بعضی از دعوای مربوط به حقوق مالی ورشکسته نیست و جنبه شخصی دارد و حقوقی که جنبه شخصی دارند حتی اگر دارای آثار مالی هم باشد فقط بوسیله خود ورشکسته قابل اعمال است و در این امور طلبکاران و اداره تصفیه قائم مقام ورشکسته نیستند. مثل دعوای طلاق، نسب و خسارات معنوی. قبول و یا رد ترکه توسط تاجر ورشکسته نیز مؤثر در امور مالی نیست زیرا اربث بردن ورشکسته جنبه قهری دارد و قبول یا رد ترکه تاثیری در انتقال قهری ترکه نخواهد داشت (منوچهری خشینانی تپه، ۱۳۹۹، ۷۱). این نکته قابل ذکر است که؛ به استناد ماده ۴۲۱ قانون

تجارت به محض صدور حکم ورشکستگی دیون مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه به دیون حال تبدیل می‌شود. منظور از رعایت تخفیفات مقتضیه این است مثلاً تاجری یک سال بعد قرار است مبلغ ده میلیون تومان بپردازد و در اثناء این یکسال مهلتی که به تاجر داده شده مقداری به بدهی تاجر افزوده شده است. مثلاً قرار بود هفت میلیون تومان بپردازد و با مهلتی یکساله که به او داده شده مقرر گردید که وی ده میلیون تومان بپردازد و در این توافق به نوعی خسارت تاخیرتادیه و نوسان ارزش اقتصادی در نظر گرفته شده است لذا چنانچه با ورشکستگی تاجر این بدهی مؤجل به حال تبدیل گردد در این زمان تاجر باید همان هفت میلیون تومان را بپردازد.

۵-۱. آثار ورشکستگی نسبت به تاجر

در این قسمت، آثار ورشکستگی نسبت به تاجر بررسی می‌شود.

۵-۱-۱. سلب اختیار تاجر ورشکسته**نسبت به حقوق و اموال خود**

تاجر ورشکسته نسبت به حقوق و اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد سلب اختیار خواهد شد و این اختیار به مدیر تصفیه محول خواهد شد. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده نماید. از جمله آثاری که حکم ورشکستگی در خصوص تاجر دارد این است که علی‌الاصول تاجر از دخالت در اموال خود منع می‌گردد و در این خصوص ماده ۴۱۸ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در اموال خود حتی

شود و یا ورشکسته اعلان شود از قیومت عزل می‌شود.

۵-۲. آثار حکم نسبت به معاملات تاجر

وضع مقررات ورشکستگی و حجر مالی ورشکسته جهت حفظ منافع بستانکاران و رعایت مصالح جامعه می‌باشد و حجر مالی تاجر ورشکسته یک حجر قانونی است که فقط از تاریخ اعلان مؤثر خواهد بود (عالمی، ۱۳۵۷، ۴۰). مواد ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت به صراحت اعلام می‌دارد که از «تاریخ صدور حکم ورشکستگی» تاجر از مداخله در اموال خود ممنوع می‌باشد به عقیده برخی نمی‌توان با صراحت مواد مذکور استدلال نمود که تاجر از تاریخ توقف ممنوع المداخله است زیرا چون حکم ورشکستگی حجر مالی را مقرر می‌دارد لذا از تاریخ صدور قابل اجرا است و نباید این حکم را با حجر سایر مجبورین که یک حکم کاشف می‌باشد (یعنی از تاریخ قطعیت مؤثر است) اشتباه نمود. البته لازم به ذکر است به استناد ماده ۷۰ قانون امور حسبی در حقوق ما اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود لذا طبق ماده مذکور اصل بر آن است که اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود و استثنائاً اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت مترتب خواهد شد. بطور کلی معاملات تاجر ورشکسته انجام می‌پذیرد سه حالت می‌تواند داشته باشد و مواد ۴۲۳ الی ۴۲۶ قانون تجارت در خصوص معاملات ورشکسته بحث می‌نماید؛ الف) معاملات قبل از توقف. ب) معاملات بین تاریخ توقف تا صدور حکم. ۳) معاملات بعد از صدور حکم.

آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیرتصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.»

مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مدنی نیز در خصوص منع مداخله مجبورین، صغار، مجانین در اموال بعلت عدم اهلیت بحث می‌نماید بطوریکه ماده ۲۱۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «معامله با اشخاصی که بالغ، عاقل و رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است». ماده ۲۱۳ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «معامله با مجبورین نافذ نیست». حجر موضوع این مواد با حجر موضوع ماده ۴۱۸ قانون تجارت تفاوت دارد، بموجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت، تاجر ورشکسته اهلیت دارد و حجر او جنبه حمایتی از طلبکاران و جامعه را دارد و این حجر فقط شامل حجر مالی است و مربوط به امور مالی خود تاجر می‌باشد و این منع دخالت در امور مالی گاهها" به قبل از تاریخ صدور حکم ورشکستگی و حتی بعد از صدور حکم ورشکستگی سرایت می‌نماید ولیکن او می‌تواند در امور مالی دیگران دخالت نماید (چاره جو، ۱۴۰۱، ۲۷۳) مثلاً" با اخذ وکالتنامه از کسی ملکی را برای آن شخص خریداری نماید و تاجر در خصوص دخالت در امور غیر مالی محدودیتی ندارد البته در این خصوص هم استثناهایی هم در مواد ۱۲۳۱ و ۱۲۴۸ قانون مدنی وجود دارد که کسانی که ورشکسته به تقصیر هستند و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر ولیکن هنوز عمل تصفیه انجام نشده نمی‌توانند به عنوان قیم تعیین گردند و چنانچه کسی هم به عنوان قیم تعیین گردد ولیکن ورشکسته به تقصیر یا تقلب شناخته

الف) معاملات قبل از توقف

در خصوص معاملات قبل از توقف ماده ۴۲۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر گاه در نتیجه اقامه دعوا از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود که تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.»

جهت درخواست فسخ موضوع ماده فوق دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در دادگاه پذیرفته خواهد شد و مدعی حداکثر ظرف دو سال فرصت طرح دعوی فسخ نسبت به موضوع را دارد و چنانچه طرف معامله یا قائم مقام او قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دادگاه از صدور حکم فسخ خودداری می‌نماید. تفاوت قیمت به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه پرداخت می‌شود تا جزء دارایی شخص ورشکسته محسوب گردد. چنانچه درخواست فسخ به دادگاه تقدیم گردد و دادگاه حکم فسخ معامله را صادر نماید پس از قطعیت دادنامه محکوم علیه مکلف است که اگر عین مال موجود باشد مال موضوع معامله را عیناً^۱ به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله قبل از اینکه دارایی تاجر یا شرکت تجارتي به غرماً تقسیم شود دریافت نماید و چنانچه عین مال نزد محکوم علیه موجود نباشد تفاوت قیمت را بدهد.

ماده ۴۲۶ قانون تجارت در خصوص معاملات قبل از توقفی که به طور صوری یا مسبوق تبانی بوده،

تعیین تکلیف نموده و مقرر می‌دارد: «اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود باطل، عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرماً حصه ای خواهد برد.» منظور این است که داخل در طلبکاران عادی شده، مانند آنها بابت طلب خود از دارایی شخص ورشکسته به نسبت مبلغ طلب حصه‌ای که معمولاً^۲ کمتر از مقدار طلب است دریافت خواهد نمود (حسنی، ۱۳۷۶، ج ۴، ۲۹).

ب) معاملات بین تاریخ توقف تا صدور حکم

حکم ورشکستگی حکم اعلانی و اطلاع رسانی دارد. معمولاً در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل اقامت ورشکسته، اعلان می‌شود. بدین معنی که اثر حکم نه محدود به طرفین دعوی، که برای هر کس معتبر است و بایستی به اطلاع کلیه اشخاص ذی نفع برسد، تا اقدامات لازم را برای حفظ منافع خود معمول دارند. تا زمانی که دادگاه حکم ورشکستگی را صادر نکرده است، ورشکستگی تاجر مسلم نیست. جریان امور تصفیه ورشکستگی منوط به صدور حکم ورشکستگی است. دادگاه در حکم خود موارد ذیل را درج می‌کند: تعیین تاریخ توقف، اجرای موقت حکم، عضو ناظر، مدیر تصفیه، مهر و موم اموال ورشکسته و صدور قرار توقیف تاجر ورشکسته. اصل در معاملات ورشکسته قبل از صدور حکم ورشکستگی صحت معاملات می‌باشد و به استناد ماده ۲۲۳ قانون مدنی «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر آنکه فساد آن معلوم شود.» با صدور حکم ورشکستگی اصل فوق برهم خواهد خورد و از تاریخ صدور حکم برای برای هیات بستانکاران ایجاد حق

هر صورت که باشد باطل و بلا اثر است. بنظر برخی به طریق اولی، ابراء یعنی صرف نظر کردن از دین نیز باطل خواهد بود (حسنی، ۱۳۷۶، ج ۴، ۳۰؛ حسنی، ۱۳۷۸، ۶۲۴). مقید نمودن اموال تاجر اعم از منقول و غیرمنقول به لحاظ از بین رفتن اصل تساوی طلبکاران ممنوع است زیرا به ضرر طلبکاران می‌باشد و باطل است و مقید نمودن مال شامل وثیقه گذاشتن یا به رهن گذاشتن یا در تضمین گذاشتن آن می‌باشد.

ج) معاملات بعد از صدور حکم

بموجب ماده ۴۱۸ ق.ت «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیرتصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند». زیرا تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی نسبت به اموال خود مسلوب الاختیار شده لذا کلیه معاملات او بعد از صدور حکم ورشکستگی باطل است. این ممنوعیت تاجر از مداخله در اموالش می‌تواند علت اساسی بطلان معاملات او باشد. این امر درباره شرکت تجاری ورشکسته نیز مصداق دارد زیرا مدیر یا مدیران شرکت ورشکسته، از تاریخ صدور حکم ورشکستگی آن، مسلوب الاختیار بوده و از مداخله در امور شرکت اعم از امور مالی و اداری ممنوع می‌باشند (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۹، ۷۸). لازم به ذکر است که جهت فسخ یا بطلان تمامی معاملاتی که توضیح داده شد باید حکم فسخ یا بطلان از طرف دادگاه صادر شود.

خواهد شد و اداره تصفیه و مدیرتصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته شناخته شده و بعلت فقدان اهلیت معامله ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی معاملات احصاء شده در ماده ۴۲۳ قانون تجارت باطل شناخته خواهد شد. در این خصوص ماده ۴۲۳ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلاثر خواهد بود: ۱- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل وانتقال بلاعوض اعم از این که راجع به منقول یا غیرمنقول باشد؛ ۲- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد؛ ۳- هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.».

در خصوص صلح محاباتی و هبه می‌توان گفت نقل و انتقال بلاعوض شامل کلیه عقود و معاملاتی که مال بدون عوض در اختیار دیگری قرار می‌گیرد خواهد بود و این معاملات باطل و بلاثر می‌گردند زیرا انجام همه آنها از طرف تاجر ورشکسته یا شرکت تجاری ورشکسته موجب نقصان دارایی آنها گردیده و موجب ضرر طلبکاران می‌گردد. پرداخت هر گونه قرض یا طلب در زمان توقف به طلبکاران، موجب ضرر طلبکاران دیگر می‌باشد زیرا طلبکاران بالاجبار داخل در غرما شده و نمی‌توانند تمام طلب خود را دریافت نمایند و طلبکارانی که در زمان توقف طلب خود را دریافت می‌نمایند از این امر معاف می‌شوند و بدون هیچ تاخیری (تاخیری که در اثر جریان تصفیه و تقسیم دارایی بین غرما بوجود می‌آید و شامل بقیه طلبکاران نیز می‌شود) طلب خود را دریافت می‌نمایند و از طرفی احتمال تبانی مابین این افراد با ورشکسته وجود خواهد داشت. لذا پرداخت هر بدهی اعم از حال و مؤجل به

۵-۱-۳. تاجر ورشکسته از مداخله در دعاوی ممنوع خواهد شد.

به استناد به ماده ۴۱۹ قانون تجارت کلیه دعاوی علیه تاجر ورشکسته باید بطرفیت مدیر تصفیه اقامه شود اعم از دعاوی منقول و غیر منقولی که در جریان رسیدگی بوده یا بعداً اقامه شود. در خصوص حقوق مالی اعم از اینکه تاجر ورشکسته خواننده دعوی باشد یا خواهان یا اینکه بعداً طرف دعوی قرار بگیرد مدیر تصفیه وظیفه تعقیب و یا اقامه دعوی را عهده دار خواهد بود. در خصوص حقوق غیر مالی باید قائل به تفکیک شد؛ اگر حقوق غیر مالی در حقوق و مطالبات بستانکاران مؤثر باشد و منجر به نتیجه مالی گردد در اینجا تاجر ورشکسته از مداخله ممنوع می‌باشد بطور مثال اگر بر علیه تاجر ورشکسته اقامه دعوی نکاح یا نسب بشود که نتیجه آن در وضع مالی تاجر تأثیر داشته باشد در اینصورت مدیر تصفیه مداخله خواهد نمود ولیکن دعاوی که جنبه غیرمالی محض داشته باشد از قبیل ولایت و قیومت تاجر ورشکسته ممنوع از طرح دعوی و دفاع نخواهد بود. لذا ضابطه کلی تأثیر یا عدم تأثیر دعاوی غیر مالی در وضع مالی تاجر ورشکسته می‌باشد (کاتبی، ۱۳۸۵، ۳۰۵-۳۶). حکم ورشکستگی تاجر دارای آثار و نتایجی است. چنانچه حکم ورشکستگی تاجری صادر گردد این حکم آثاری را در خصوص طرح دعوی نسبت به دعاوی له و علیه تاجر در بر خواهد داشت که در دو بند ذیل در خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) آثار حکم نسبت به دعاوی له تاجر

پس از صدور حکم ورشکستگی تاجر از دخالت در امور مالی خود ممنوع می‌گردد و حق اقامه دعاوی مالی علیه کسی را نخواهد داشت.

مواد ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت ناظر به حجر مالی ورشکسته و تعیین مدیر تصفیه به عنوان قائم مقام قانونی او می‌باشد. این مواد مشخص می‌نمایند که چه کسی به جای ورشکسته اقامه دعوی می‌نماید و در مقابل دعاوی اشخاصی که در جریان است چه کسی دفاع می‌نماید و به هیچ وجه این دعاوی را به عنوان اینکه از تاریخ توقف، تاجر ممنوع المداخله می‌گردد، باطل نشناخته است بلکه دعاوی که تاجر طرح نموده و تا تاریخ حکم توقف جریان داشته قابل جریان است لذا به استناد ماده ۴۲۰ قانون تجارت مدیر تصفیه یا اداره تصفیه بنمایندگی از طرف او طرح دعوی خواهد نمود و در صورت لزوم به شرط اجازه دادگاه خود تاجر هم می‌تواند به عنوان ثالث وارد گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعاوی مطروحه اجازه دهد.»

ب) آثار حکم نسبت به دعاوی علیه تاجر

ورشکسته نه تنها از تصرف در اموال خود ممنوع است، بلکه از استفاده از کلیه حقوق مالی خود نیز محروم می‌باشد. دیگری هم نمی‌تواند علیه او اقامه دعوی مالی نماید. دعاوی که علیه تاجر ورشکسته در جریان رسیدگی بوده و یا سپس طرح و اقامه شود باید به طرفیت مدیر تصفیه باشد و این دعاوی بر دو نوع است: یا مربوط به اموال و حقوق مالی است، اعم از این که تاجر ورشکسته خواننده و یا خواهان بوده و یا سپس طرف دعوا قرار گیرد در این حالت وظیفه تعقیب و یا اقامه دعوا بر عهده مدیر تصفیه است، یا مربوط به حقوق غیر مالی است. در این حالت نسبت به حقوق غیر مالی باید قائل به تفکیک شد، به این معنا که اگر حقوق غیرمالی منجر به نتایج مالی گردد، به گونه‌ای که بر حقوق و مطالبات

خواهد داد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۴، ۲۴۸؛ افتخاری، ۱۳۷۹، ج ۴، ۱۸۳).

برخی معتقدند با حجر خاص تاجر ورشکسته، رسیدگی به دعاوی مطروحه علیه او قبل از زمان ورشکستگی با صدور قرار توقیف دادرسی، متوقف و ادامه رسیدگی به بعد از تعیین مدیر تصفیه و یا به طرفیت اداره تصفیه امور ورشکستگی موکول می‌گردد (افتخاری، ۱۳۷۹، ج ۴، ۱۸۳).

بنظر برخی دیگر دعاوی که علیه تاجر طرح گردیده و تا تاریخ حکم توقف جریان داشته قابل جریان است و نمی‌توان گفت که از تاریخ توقف این دعاوی باید مجدداً علیه تاجر ورشکسته و با مداخله مدیر تصفیه جریان یابد و صحت جریان تا تاریخ حکم اصولاً مورد بحث نیست (عالمی، ۱۳۵۷، ۴۱).

ضمناً در خصوص ورشکستگی تاجر در جریان اجرای حکم ماده ۳۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۵ / ۸ / ۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود، مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود، تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.»

۳. کلیه معاملات تاجر ورشکسته باطل خواهد بود. در این خصوص مدیر تصفیه یا اداره تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته می‌باشد.

۴. کلیه دیون مؤجل تاجر ورشکسته حال خواهد شد. صدور حکم ورشکستگی سبب می‌شود که دیون مؤجل ورشکسته با احتساب کسر بهره‌ای که تعلق می‌گیرد، حال شود. حال شدن دیون مؤجل تاجر شامل معاملات تجاری یا غیر تجاری می‌باشد و تمام قروض اعم از عادی و باوثیقه را در بر می‌گیرد (پیرجهانگیر و مجتهد سلیمانی، ۱۴۰۱، ۵۸). در این خصوص ماده ۴۲۱ قانون تجارت

بستانکاران تأثیر داشته باشد، همچنان تاجر ورشکسته ممنوع از مداخله است؛ مثلاً اگر علیه وی دعوی نکاح یا نسب طرح بشود که در نتیجه مؤثر در وضع مالی بازرگانی باشد، مدیر تصفیه مداخله خواهد نمود؛ اما دعاوی مانند ولایت یا قیمومیت که جنبه غیرمالی محض داشته باشد، ورشکسته ممنوع از طرح یا دفاع نخواهد بود. بنابراین، ضابطه کلی تأثیر یا عدم تأثیر دعاوی در وضع مالی بازرگان ورشکسته می‌باشد. از تاریخ حکم ورشکستگی دعاوی علیه تاجر باید علیه مدیر تصفیه یا اداره تصفیه مطرح گردد زیرا پس از صدور حکم ورشکستگی، تاجر حق دخالت در امور مالی خود را نخواهد داشت. در این خصوص ماده ۴۱۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول و غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.» کسانیکه علیه تاجر متوقف قبل از صدور حکم توقف اقامه دعوی کرده‌اند، پس از توقیف دادرسی باید به اداره تصفیه مراجعه و طبق مواد مربوط به تصفیه امور ورشکستگی ادعای خود را اظهار نمایند و اداره تصفیه هم مکلف می‌باشد تا با توجه به جریان دعوی و مستندات ارائه شده توسط خواهان به ادعا رسیدگی و اظهار نظر نماید و در صورتیکه اداره تصفیه دعوی را جزعاً یا کلاً رد نماید یا اینکه طبق ماده ۴۶۸ قانون تجارت و مواد ۳۵ و ۳۶ قانون تصفیه با مدعی رفتار شود یا اینکه طلب نامبرده از طرف اداره تصفیه مورد تصدیق واقع نگردد در این صورت دادگاه به تقاضای خواهان و بطرفیت اداره تصفیه جریان دادرسی را ادامه

ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.».

۶. به دیون ورشکسته بهره تعلق نخواهد گرفت. در خصوص اینکه آیا پس از صدور حکم ورشکستگی، به مطالبات طلبکاران، بهره تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در قوانین و مقررات جاریه کشورمان در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد و این امر باعث گردیده که قضات در خصوص مورد با یکدیگر اختلاف نظر داشته و آراء متعارضی نیز صادر گردیده است. لذا موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح و لهنایه بموجب رأی شماره ۱۵۵ - ۲/۱۴ - ۱۳۴۷ پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ممنوع گردید و از تاریخ توقف به دیون ورشکسته خسارت تأخیر تأدیه تعلق نخواهد گرفت لذا این رأی مقرر می‌دارد: «بنابراین نظر شعبه سوم مبنی بر اینکه طلبکاران ورشکسته اعم از اینکه وثیقه داشته یا نه حق مطالبه خسارت تأخیر ایام بعد از تاریخ توقف را ندارد، صحیح به نظر می‌رسد...» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴، ج ۴، ۱۵۰-۱۴۹). در این خصوص اداره حقوقی اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه مشورتی مورخ ۱۳۵۳/۱/۱۹ پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به دیون متوفی را منع نموده است (امینی؛ سلجوقی، ۱۳۸۹).

۷. تاجر ورشکسته در برابر دین توقیف نخواهد شد: حکم ورشکستگی موجب معافیت ورشکسته از بازداشت بعلت عدم پرداخت از دیون خواهد شد. در حالیکه بموجب ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ دادگاه محکوم علیه را که به پرداخت دین محکوم شده و حکم دادگاه را اجرا نمی‌نماید می‌تواند تا زمان پرداخت دین بازداشت نماید و این ماده شامل ورشکسته نمی‌شود، زیرا الزام ورشکسته از طریق صدور

مقرر می‌دارد: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود.» دیون مؤجل ورشکسته به دو دلیل اساسی حال می‌شود: الف- وضعیت مالی تاجر ورشکسته طوری است که احتمالاً "کفاف پرداخت دیون مؤجل ورشکسته را در سررسید ننماید و طلبکاران مؤجل از وصول ولو اندک طلب خود محروم بمانند. لذا جهت اصل تساوی طلبکاران اقتضا دارد با حال نمودن قروض مؤجل همه طلبکاران اعم از اینکه طلب آنها حال باشد یا مؤجل به یک چشم نگریسته شوند. ب- حال شدن دیون مؤجل اعم از دیون عادی یا ممتاز و یا با وثیقه، سبب می‌شود مدیر تصفیه یا اداره تصفیه با سرعت بیشتری دیون تاجر را مشخص و سهم گرمایی هر یک از طلبکاران را معین نماید (اسکینی، ۱۳۹۰، ج ۴، ۷۳-۷۲).

۵. حق تعقیب انفرادی بستانکاران در خصوص تاجر ورشکسته ساقط خواهد شد و این رعایت اصل تساوی بین طلبکاران می‌باشد و در این خصوص ماده ۴۱۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول و غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.» این ماده در خصوص نحوه طرح دعوی بر علیه تاجر ورشکسته بحث می‌نماید و در مواردی که تاجر مدعی حقی باشد مدیر تصفیه به قائم مقامی ورشکسته طرح دعوی می‌نماید و اگر حضور تاجر در دعوایی ضروری باشد نامبرده به عنوان وارد ثالث اقدام می‌نماید و در این خصوص ماده ۴۲۰ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند

دعوائی اعم از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. با ملاحظه ماده ۴۱۲ قانون تجارت مشخص می‌گردد که امکان صدور حکم ورشکستگی در خصوص شرکت تجارتي نیز وجود دارد و شرکت تجارتي هم ممکن است به موجب حکم دادگاه ورشکسته اعلام گردد. بطوریکه گاهی ورشکستگی شرکت آثاری روی شرکا دارد و گاهی هم ورشکستگی شرکای تجارتي دارای آثاری به روی شرکت می‌باشد. بنظر پس از صدور حکم ورشکستگی، شرکت از انجام هرگونه معامله ممنوع می‌گردد یعنی مدیران شرکت حق هیچ گونه مداخله‌ای در امور شرکت را ندارند همانطوریکه پس از صدور حکم ورشکستگی این ممنوعیت برای تاجر ورشکسته هم به وجود می‌آید.

به استناد مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ و ۱۴۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ اشخاص ورشکسته نمی‌توانند به عنوان مدیر، مدیرعامل و یا بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند و به استناد ماده ۱۴۳ قانون فوق الذکر حکم ورشکستگی شرکت در وضع مدیران یا مدیر عاملی که ورشکستگی شرکت معلول تخلفات آنها است ممکن التائیر است.

به موجب ماده ۲۰ قانون تجارت شرکتهای را می‌توان به شرکتهای شخص، سرمایه، مختلط تقسیم بندی نمود. در خصوص شرکتهای شخص می‌توان گفت این شرکتهای بر اساس اعتبار و شخصیت شرکا بنا نهاده شده‌اند و مسولیت شرکا از میزان آورده آنها به شرکت فراتر می‌رود مانند شرکت تضامنی و نسبی، ولیکن در شرکت تضامنی هر شریک نسبت به کلیه مبلغ و دیون

حکم به پرداخت دین مصداق ندارد و به حکم قانون، وی از مداخله در اموال خود از جمله پرداخت دین ممنوع بوده و تقسیم اموال وی باید توسط مدیر تصفیه یا اداره تصفیه از طریق عملیات تصفیه انجام گیرد. بنظر صرف نظر از اینکه اظهار ورشکستگی از سوی تاجر باشد یا اینکه طلبکار و دادستان این دعوی را اقامه نمایند و منتهی به صدور حکم گردد این امر مراعی خواهد بود. ۸. از تاجر ورشکسته سلب اعتبار خواهد شد. لازم به توضیح است که اعاده اعتبار موقوف به پایان ورشکستگی می‌باشد. ۹. تاجر ورشکسته از حقوق سیاسی محروم خواهد شد (اسکینی، ۱۳۹۰، ج ۴، ۷۴). در ورشکستگی عادی پس از اعاده اعتبار این محرومیت از بین می‌رود ولی در ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تا زمانی که اعاده حیثیت نشود محرومیت سیاسی باقی است.

۵-۲. آثار حکم ورشکستگی نسبت به

اشخاص حقیقی و حقوقی

طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود...». آثار حکم ورشکستگی وقتی ظاهر می‌شود که حکم ورشکستگی از دادگاه صلاحیتدار صادر شده باشد و تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر درتأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده نماید (ماده ۴۱۸ قانون تجارت). و برابر ماده ۴۱۹ قانون تجارت از تاریخ حکم ورشکستگی هرکس نسبت به تاجر ورشکسته

تجارت با رعایت ماده ۱۳۸ قانون مزبور به موجب بند هـ ورشکستگی یکی از شرکا را از موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی دانسته است. باید توجه داشت اگر شریک شرکت تضامنی یا نسبی تاجر باشند مشمول مقررات ورشکستگی قرار می‌گیرند والا قرار نمی‌گیرند. در شرکتهای سرمایه مسولیت مالی هر یک از شرکا علی‌الاصول تابع آورده آنها در شرکت است مانند شرکت سهامی عام و خاص و شرکت با مسولیت محدود.

با توجه به ماده ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مسئولیت هر سهامدار محدود به مبلغ اسمی سهم او می‌باشد. لذا ورشکستگی شخص سهامدار بنا به محدودیت مسولیت او موجب ورشکستگی شرکت نمی‌شود ولی قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکتهای سهامی به استناد ماده ۱۴۳ لایحه قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ مسئولیت فردی یا تضامنی مدیران را پیش بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارائی شرکت برای ادای دیون آن تکافو نمی‌نماید هر طلبکاری می‌تواند از دادگاه ذیصلاح محکومیت مدیران شرکت سهامی را که با ارتکاب تقصیر موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارائی آن را فراهم ساخته‌اند به پرداخت آن قسمت از دیون که وصول آن از دارائی شرکت امکانپذیر نیست تقاضا نماید.

۵-۳. آثار حکم نسبت به ثالث

حکم ورشکستگی از احکام موجد حق می‌باشد که از تاریخ صدور و بطریقی که در قانون مشخص شده در حق اشخاص ثالث موثر می‌باشد. گاهی افراد ثالثی می‌باشند که مالی از اموال تاجر را در اختیار دارند که ممکن است در خصوص مال مورد نظر ذیحق باشند در این صورت پس از صدور

مسول است ولی در شرکت نسبی هر شریک به نسبت سهم الشرکه ای که در شرکت دارد مسول پرداخت دیون شرکت می‌باشد. در این شرکتهای چنانچه شرکت به هر دلیل از پرداخت بدهی خود امتناع نماید طلبکاران ابتدا به شرکت مراجعه و در صورتی که شرکت از پرداخت بدهی امتناع نماید باید حکم ورشکستگی شرکت را مطرح نمایند و پس از صدور حکم ورشکستگی ارگان تصفیه تعیین می‌نماید که آیا دارایی شرکت برای پرداخت دیون کافی می‌باشد یا نه و در صورتیکه کافی نیست چه مقدار از دیون باقی مانده است و فقط در این حالت است که طلبکار می‌تواند به شریک شرکت مراجعه نماید و اگر در صورت مراجعه به شریک وی نیز بدهی را پرداخت ننماید، چنانچه آن شریک مورد مراجعه، به دلیل فعالیت‌های خارج از شرکت وی تاجر شناخته شود طلبکار می‌تواند بدلیل عدم پرداخت بدهی توسط تاجر تقاضای صدور حکم ورشکستگی وی را نیز مطرح نماید یعنی اگر شریک شرکت تضامنی یا نسبی که بدهکار هستند اگر تاجر باشند مشمول مقررات ورشکستگی قرار می‌گیرند والا مشمول مقررات ورشکستگی محسوب نخواهند شد (مهمان نوزان، ۱۳۹۱، ۹۳). طلبکار نمی‌تواند هم‌زمان تقاضای صدور حکم ورشکستگی شرکت و شرکا را مطرح نماید. اگر شرکت تضامنی ورشکسته شود و مالی از ورشکسته بدست نیاید اداره تصفیه می‌تواند بطرفیت شرکا ضامن اقامه دعوی کند و از دارایی آنان طلب بستانکاران شرکت را وصول نماید (ماده ۲۹ قانون تصفیه امور ورشکستگی و مواد ۱۶ و ۱۲۶ و ۱۲۵ قانون تجارت) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۲، ۲۷۶).

اگر شریک شرکت تضامنی و نسبی تاجر باشند و حکم ورشکستگی او صادر گردد، ماده ۱۳۶ قانون

می‌باشد و بانک نیز به استناد مواد ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ قانون تجارت و مواد ۷۷۸ و ۷۸۰ قانون مدنی و ماده ۲۲۷ قانون امورحسابی نسبت به مال مرهونه از حق رجحان نسبت به سایر طلبکاران برخوردار خواهد بود و قانونگذار امتیاز خاصی برای طلبکارهایی که رهینه در اختیار دارند قائل گردیده و برای آنان حق تقدم منظور نموده است و آنان از حق رجحان نسبت به سایر طلبکاران برخوردار می‌باشند. اگر این عمل حقوقی بموجب سند رهنی زمانی صورت گیرد که تاجر هیچ محدودیت و ممنوعیتی نداشته باشد با انعقاد عقد رهن، عین مال مرهونه به مرتهن تعلق گرفته و تملک رهن به مرتهن انتقال قهری است زیرا قرارداد رهن قراردادی رسمی و غیر قابل خدشه می‌باشد.

۵-۳-۲. آثار حکم نسبت به دیون ثالث

پس از صدور حکم ورشکستگی دعاوی اشخاص ثالث علیه تاجر متوقف باید به طرفیت مدیر تصفیه یا اداره تصفیه مطرح یا تعقیب گردد و این امر در صورتی است که تاجر، مدیون طلبکاری واحد باشد ولیکن اگر تاجر یکی از چند مدیون یک دین باشد، طلبکار می‌تواند علیه مدیون‌های دیگر همان دین نیز به طور مستقل اقامه دعوی نماید و این امر بویژه در زمانی که تاجر یکی از امضا کنندگان سند تجاری باشد مطرح می‌شود و طرح یا ادامه دعوی علیه اشخاص ثالث که با ورشکسته مسولیت تضامنی در پرداخت دین ناشی از سند تجاری دارند مجاز و معتبر خواهد بود از آنجا که بر حسب ماده ۲۴۹ قانون تجارت کلیه امضا کنندگان سند تجاری مسولیت تضامنی دارند، دارنده سند می‌تواند نسبت به دیگر بدهکاران سند به طور عادی اقامه دعوی نماید

حکم ورشکستگی آثاری بر آن بار می‌شود که در دو گفتار جداگانه مبنی بر آثار حکم بر مطالبات ثالث و دیون ثالث بررسی می‌شود.

۵-۳-۱. آثار حکم نسبت به مطالبات ثالث

از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر دعوایی اعم از منقول و غیرمنقول داشته باشد باید علاوه بر تاجر به طرفیت مدیر تصفیه یا اداره تصفیه اقامه نماید و این امر شامل اقدامات اجرایی نیز می‌باشد. گاهی افرادی دارای مطالباتی از تاجر می‌باشند ولیکن تاجر موصوف متعاقباً" به موجب حکم دادگاه ورشکسته اعلام می‌گردد که در خصوص باید مابین کسانی که طلب رهینه دارند و آنهایی که طلب عادی دارند قائل به تفکیک شد. هرگاه یکی از طلبکاران قبل از صدور حکم ورشکستگی حکمی از دادگاه صالح دریافت نموده باشد اجرای آن حکم متوقف و این امر شامل تمام کسانی که طلبی (اعم از عادی، ممتاز، دارای وثیقه و یا دارای رهن) علیه تاجر ورشکسته دارند می‌شود و مطالبه طلب باید به طرفیت مدیر تصفیه و در جاهایی که اداره تصفیه ایجاد شده، به طرفیت اداره مزبور اقامه شود. در این خصوص اگر طلبکار دارای رهینه باشد دارای امتیازاتی خواهد بود. امتیاز این افراد به این دلیل است که ابتدا کل طلب آنها پرداخت می‌شود و سپس باقیمانده به طلبکاران دیگر تعلق می‌گیرد زیرا این شخص داخل در غرما نخواهد شد و این امر موجب مخدوش نمودن اصل تساوی حقوق طلبکاران می‌شود (کوتی، ۱۳۹۶، ۶۴).

چنانچه تاجر ملکی را بعنوان وثیقه طلب در رهن بانک قرار دهد و وی متعاقباً" ورشکسته اعلام گردد، به دلیل عدم پرداخت دین، بانک با درخواست اجرائیه در صدد وصول طلب خود برآید، چون دین این تاجر به بانک از دیون ممتازه

قانون مدنی و ماده ۸۶۸ قانون امورحسابی وراثت قائم مقام متوفی می‌باشند و پس از فوت متوفی ابتدا باید طلب طلبکاران از ترکه پرداخت گردد و اگر مازاد چیزی باقی ماند مابین وراثت تقسیم خواهد شد. وراثت قائم مقام عام تاجر متوفی و مدیر تصفیه قائم مقام خاص تاجر متوفی می‌باشند و یکی از آثار حکم ورشکستگی نسبت به متوفی و وراثت او می‌باشد که قائم مقام نامیده می‌شود زیرا با ورشکستگی و تعیین مدیر تصفیه دست وراثت از اموال کوتاه شده و مدیر تصفیه برابر قانون اموال را اداره می‌نماید و طلبکاران و بدهکاران را شناسایی و سپس برابر قانون با فروش اموال حقوق طلبکاران به نسبت مساوی پرداخت خواهد شد (مهمان نوازان، ۱۳۹۱، ۹۴).

۵-۵. آثار ورشکستگی نسبت به مدیر تصفیه

یکی دیگر از اشخاصی که از ورشکستگی و توقف تاجر، متأثر می‌گردد، مدیر تصفیه است. قبل از توضیح آثار ورشکستگی نسبت به مدیر تصفیه، باید بدانیم که مدیر تصفیه کیست و وظایف او چه می‌باشد. مدیر تصفیه، شخصی است که بعد از انحلال شرکت یا ورشکستگی شخص حقیقی، از سمت دادگاه، تعیین می‌گردد تا وظایف تاجر ورشکسته یا مدیران شخص حقوقی منحل شده را انجام دهد (چاره جو، ۱۴۰۱، ۲۷۸). آثار ورشکستگی نسبت به مدیر تصفیه، بر اساس ماده ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت، بدین صورت خواهد بود که:

اولاً؛ مطابق ماده ۴۱۸ قانون تجارت: "در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، مدیر تصفیه، قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند؛ یعنی،

ولیکن در خصوص تاجر ورشکسته مانند سایر طلبکاران حق اقامه دعوی انفرادی نخواهد داشت. در این خصوص ماده ۴۲۲ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسول تأدیه وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، وجه آن را نقداً" بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.»

بنظر برخی قانون دارنده سند را در مراجعه به مدیر و اداره تصفیه و یا مسولان دیگر در سند مخیر ندانسته بلکه در صورت ورشکستگی متعهد سفته، قبول کننده یا براتکش برات فاقد قبولی، دارنده ملزم به رجوع به سایر مسولین متضامن در سند می‌باشد و این الزام در خصوص مراجعه به دیگر مسولان متضامن بر اساس حکم ماده ۴۲۲ قانون تجارت محرز است و زمانی است که متعهد سفته، براتکش یا برانگیر قبول کننده، ورشکسته باشد. لذا اداره یا مدیر تصفیه نیز قانوناً" مجاز در پرداخت سهم غرمایی به دارنده چنین سند نخواهد بود (صقری، ۱۳۸۸، ۱۱۲).

۵-۴. آثار ورشکستگی نسبت به جانشینان تاجر متوفی در حکم ورشکستگی

یکی از آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر متوفی و وراثت او می‌باشد که قائم مقام نامیده می‌شوند. قسمت اخیر ماده ۴۱۲ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود». صدور حکم ورشکستگی تاجر متوفی پس از فوت او به انگیزه حمایت از طلبکاران وی و حفظ حقوق آنها در قانون تجویز گردیده است. به استناد ماده ۸۷۱

مدیر تصفیه، در امور مربوط به ورشکستگی، قائم مقام و جانشین ورشکسته خواهد شد و حق اقدام و عمل مقتضی و متناسب با وضعیت را خواهد داشت.

ثانیاً؛ مطابق ماده ۴۱۹ قانون تجارت: «از تاریخ حکم ورشکستگی، هرکس نسبت به تاجر ورشکسته، دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد؛ باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود». یعنی، تمامی دعاوی نسبت به تاجر ورشکسته و اقدامات اجرایی، باید، به طرفیت مدیر تصفیه مشخص شده از سمت دادگاه، مطرح گردند.

ثالثاً؛ تقاضای انجام مهر و موم اموال تاجر ورشکسته، فروش اشیایی از اموال تاجر که ممکن است ضایع شوند یا با گذشت زمان، کاهش قیمت پیدا کنند، به کار انداختن سرمایه تاجر، پس از کسب اجازه از عضو ناظر، جهت ایجاد سرمایه برای تصفیه بدهی‌ها، بستن دفاتر تاجر و تنظیم یک صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی تاجر و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده، از دیگر مواردی است که پس از ورشکستگی تاجر، متوجه مدیر تصفیه می‌گردد.

۶. نتیجه

آثار ورشکستگی، متوجه اشخاص گوناگونی می‌گردد. هنگامی که برای شخص حقیقی یا حقوقی، ورشکستگی و توقف رخ می‌دهد، آثار حقوقی‌ای نیز، محقق می‌گردد. این آثار، به طور پراکنده، در مواد مختلف قانون تجارت، پیش بینی شده اند. مستفاد از مواد قانون تجارت، به ویژه ماده ۴۱۸، ۴۲۱ و ۴۲۳، می‌توان گفت، به طور اجمالی، آثار ورشکستگی، به شرح زیر است:

۱. ممنوعیت تاجر از مداخله در اموال خود.

۲. حال شدن دیون تاجر و قرض های او. ۳. باطل بودن برخی معاملات تاجر، از تاریخ توقف تا ورشکستگی و باطل بودن تمامی معاملات تاجر، بعد از تاریخ ورشکستگی. ۴. عدم امکان وصول همه مطالبات طلبکاران. ۵. الزام طلبکاران یا اشخاص ثالث، به طرح و تعقیب دعوا، نسبت به مدیر تصفیه، به جای تاجر. بر اساس ماده مورد اشاره، به محض صدور حکم ورشکستگی تاجر، او حق هیچ گونه مداخله‌ای در اموال خود، اعم از منقول و یا غیر منقول را نخواهد داشت. از دیگر آثار ورشکستگی نسبت به تاجر، تبدیل شدن تمام قروض تاجر از مؤجل به حال. بر اساس ماده ۴۲۱ در این خصوص: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد، قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه، نسبت به مدت به قروض، حال مبدل می‌شود. بر اساس این ماده، به محض صدور حکم ورشکستگی، دیون تاجر، حال می‌گردند». باطل و بلاثر بودن برخی معاملات تاجر از دیگر آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر است. بر اساس ماده ۴۲۳ قانون تجارت، معاملاتی نظیر صلح بلاعوض، هبه، پرداخت دیون و هر معامله‌ای که به ضرر طلبکاران تمام شود و بعد از تاریخ توقف، انجام گرفته باشد، از معاملات بلا اثر و باطل تاجر ورشکسته هستند. البته، پس از تاریخ ورشکستگی، کلیه معاملات مالی تاجر، باطل می‌باشد.

آثار ورشکستگی و شرایط توقف تاجر در قانون تجارت، نسبت به طلبکاران تاجر نیز مورد پیش بینی قرار گرفته است و آنان می‌توانند، با کمک یک وکیل ورشکستگی یا شخصاً، دعوای خود نسبت به تاجر ورشکسته را پیگیری کنند. آثار ورشکستگی تاجر، نسبت به طلبکارها، تکلیف آن‌ها به ارائه اسناد و لیست کلیه مطالباتشان از

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

تاجر ورشکسته، به محکمه می‌باشد. همچنین، پیدا کردن حق اعتراض به طلب‌هایی که در گذشته تشخیص داده شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است نیز از جمله حقوق طلبکاران تاجر ورشکسته است.

آثار و مزایا و معایب ورشکستگی تاجر، نسبت به اشخاص ثالث نیز پیش بینی شده است و می‌توان، این آثار را با مراجعه به قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، مورد بررسی قرار داد. بر اساس این قانون، آثار ورشکستگی، نسبت به اشخاص ثالثی که مالی از تاجر درید آن‌ها است یا به تاجر، بدهکارند عبارت است از: (۱) اشخاص ثالث بدهکار به تاجر ورشکسته، موظف هستند، بدهی خود به تاجر را به اداره تصفیه، معرفی کرده در غیر این صورت، عمل آن‌ها، یعنی عدم اعلام بدهی، جرم محسوب می‌گردد. (۲) اشخاص ثالثی که از تاجر ورشکسته، مالی درید آن‌ها است نیز باید، آن مال را به اداره تصفیه، معرفی کنند؛ در غیر این صورت، چنانچه حقی نسبت به آن مال، نداشته باشند، ممکن است محکوم به خیانت در امانت گردند و اگر حقی داشته باشند، (مانند دین وثیقه‌ای) حق آن‌ها، از بین خواهد رفت و در ردیف سایر طلبکاران، قرار خواهند گرفت.

منابع

منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته)، جلد چهارم، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۹۰.
- افتخاری، جواد، حقوق تجارت (نظری و کاربردی - ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی)، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹.
- امینی، یدا...؛ سلجوقی، محمود، مجموعه نظریه‌های مشورتی در اداره حقوقی دادگستری در امور مدنی (۱۳۵۵-۱۳۴۲)، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت زیتون / بهاران، ۱۳۸۹.
- پیرجهانگیر، غلامرضا؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، تعلیق دادرسی در ورشکستگی به قلب و ورشکستگی به تقصیر در پرتو نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن، فقه جزای تطبیقی، شماره هفتم، پاییز ۱۴۰۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دأره المعارف حقوق (دانشنامه حقوقی)، جلد دوم و چهارم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- چاره جو، آرمینا، بررسی آثار ورشکستگی در فقه و حقوق ایران، مجله معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ ششم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- عالمی، شمس‌الدین، «تحلیل یک جریان قضایی مربوط به امر ورشکستگی»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره دوم، ۱۳۵۷.
- قائم مقام فراهانی، محمدحسین، معاملات بعد از صدور حکم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۵.
- کوتی، ابراهیم، آثار ورشکستگی تجار در حقوق ایران و لبنان، چاپ اول، تهران، انتشارات برتراندیشان، ۱۳۹۶.
- مجاهد، افشین، مطالعه تطبیقی آثار ورشکستگی در حقوق ایران و فرانسه، مجله: پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، شماره پانزدهم، زمستان ۱۴۰۰.
- منوچهری خوشینانی تپه، لیلا، آثار ورشکستگی معاملات تاجر در قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن، مجله

مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی،

شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۹.

— مهمان نوازان، روح ا...، حقوق

تجارت (ورشکستگی و اداره تصفیه امور

ورشکستگی)، چاپ اول، تهران، انتشارات

مجد، ۱۳۹۱.

